

نیکوکار قلابی

۲ پسر جوان را سارق کرد

گروه حوادث / دو پسر جوان که به اتهام گوشی قاپی دستگیر شده‌اند، ادعا کردند یک نیکوکار قلابی سرشان کلاه گذاشته و برای پرداخت بدهی شان به طلبکاران مجبور به سرقت شده‌اند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل دختر جوانی در حال عبور از خیابانی در شمال تهران بود که ناگهان موتورسیکلتی با دو راكب مقابل پایش توقف کرد، یکی از موتورسواران که صورتش را با نقاب پوشانده بود از موتورسیکلت پیاده شد و گوشی دختر جوان را قاپید و با سرعت فرار کردند.

دختر جوان که تصور نمی کرد گوشی تلفن همراهش به این راحتی به سرقت برود، شروع به داد و فریاد و درخواست کمک کرد تا سارقان گوشی تلفن همراهش دستگیر شوند. همزمان مأموران گشت کلانتری که در آن اطراف بودند متوجه صدای دختر جوان شدند و طرح مهار برای دستگیری سارقان موبایل قاپ آغاز شد.

سرانجام تعقیب و گریز به نتیجه رسید و مأموران پلیس موفق به دستگیری سارقان گوشی شدند. مهمان در تحقیقات اولیه به سرقت‌های سرپایی گوشی تلفن همراه اعتراف کرده و تحقیقات برای شناسایی سایر مالباختگان احتمالی توسط این باند ادامه دارد.

گفت و گو با پسر سارق

به قول خودشان هنوز مهر دیلمشان خشک نشده که به خاطر گوشی قاپی بازداشت شده‌اند.

چه شد با این سن و سال کم، تصمیم به سرقت گرفتید؟
ما قصدمان دزدی نبود، تازه دیپلم گرفته‌ایم و می‌خواستیم به دانشگاه برویم و برای خودمان کسی شویم، اما افتادیم در مسیری که چاره‌ای جز دزدی نداشتیم.

چرا؟
مدتی قبل در همسایگی مان مرد میانسانی به نام شاهین زندگی می کرد. شاهین حدوداً ۵۰ ساله بود و وضع و ظاهر معمولی داشت. او با طرح دوستی ریخت و پیشنهادی وسوسه کننده داد که ما را به این مسیر کشید، او خودش را خیر معرفی کرد و گفت تا به حال برای خیلی ها کار پیدا کرده و برای دختران دم بخت و نیازمند چیزیه فراهم کرده است. می گفت چون من و دوستم بهرام، پسرهای خوبی هستیم دلش می خواهد به ما کمک کند. شاهین پیشنهاد داد با او کار کنیم تا بتوانیم پولی پس انداز کنیم

و خرج دانشگاهمان را در بیابوریم.

شرایط کاری چه بود؟

قرار بود ما ۴۰ میلیون بگذاریم و ۴۰ میلیون تومان هم او بدهد و مغازه‌ای را که برای خودش است هم در اختیارمان قرار دهد. ما یک مدت کار کنیم و بعد بدون هیچ سودی پولش را برگردانیم و از زمانی که وضع مان خوب شد کرایه مغازه را با قیمت پایین پرداخت کنیم. ما هم جوان و اول راه بودیم، شنیده بودیم افراد خیری وجود دارند و به مردم کمک می کنند و با این تصور که خوش شانسی آوردیم و بخت با ما یار شده، همراه او شدیم. شاهین ما را به مغازه‌ای در بازار برد و گفت این مغازه را می‌خواهم به شما بدهم تا کار کنید.

۴۰ میلیون تومان را از کجا آوردید؟

هر چه داشتیم فروختیم و به پول تبدیل کردیم. اما هنوز ۲۰ میلیون تومان کم داشتیم و مجبور شدیم از هر کسی که می‌شناختیم پول قرض بگیریم و قرار بر این شد که دو ماهه برگردانیم. با خودمان گفتیم اگر کار و کاسبی مان راه بیفتد ۲۰ میلیون تومان را می‌توانیم برگردانیم. بعد هم پول‌ها را طبق خواسته شاهین به صورت نقدی به او دادیم. می‌گفت اگر پول زیادی به حسابش واریز شود مشمول مالیات می‌شود. ما هم باور کردیم و پول را دستی به او دادیم، دوسه زوری شاهین جواب ما را می‌داد و امروز و فردا می‌کرد اما در کمتر از یک هفته ناپدید شد و سراغش که رفتیم فهمیدیم خانه‌اش را تخلیه کرده و به محل دیگری رفته است.

از شاهین شکایت نکردید؟

چه شکایتی، ما هیچ مدرکی نداشتیم که پول‌ها را به او داده‌ایم و این شگرد شاهین برای کلاهبرداری بود. بعداً فهمیدیم که از چند نفر دیگر هم کلاهبرداری کرده البته مبلغش به این زیاد نبود.

به مغازه‌اش نرفتید؟

مغازه‌ای در کار نبود، او مغازه فرد دیگری را که برای اجاره گذاشته بودند به ما نشان داده بود. با رفتن شاهین ما نه تنها پول‌هایمان را از دست دادیم بلکه با چند طلبکار هم مواجه شدیم. همه پول‌هایشان را می‌خواستند و تنها راه چاره‌ای که به ذهنمان آمد دزدی بود. ما هر روز صبح زود برای سرقت می‌رفتیم چون هم مردم زیاد هوشیار نیستند و از طرفی افراد زیادی هم به محل کارشان می‌روند که خودرو ندارند و منتظر تاکسی هستند و سوزه خوبی برای سرقت بودند.

حوادث جهان

۴ کشته در تیراندازی مرگبار سرباز آلمانی

یک سرباز ارتش آلمان با تیراندازی در دو منطقه در ایالت «نیدرزاکسن»، چهار نفر از جمله یک کودک را کشت.

به گزارش دوپچه وله، پلیس می‌گوید این تیراندازی مرگبار شامگاه پنجشنبه در دو منطقه در ایالت نیدرزاکسن رخ داده و در میان اجساد، یک کودک نیز دیده می‌شود. مأموران و بازرسان پلیس در خصوص جزئیات بیشتر این رخداد از جمله درباره قربانیان، سن، جنسیت یا رابطه آنها با مظنون بازداشت‌شده، اطلاعات بیشتری منتشر نکرده‌اند. عامل جنایت که خود را به پلیس تسلیم کرد، سرباز ارتش آلمان است.

یکی از دو محل تیراندازی خانه‌ای در «وستروسده» در منطقه «شپسل» و دیگری در «بوئل» بوده است. بر اساس اعلام پلیس احتمال انگیزه خانوادگی منافی نیست. دفتر دادستانی تا زمان انتشار این خبر هیچ اطلاعاتی مبنی بر اینکه آیا اسلحه مظنون متعلق به ارتش آلمان بوده است یا خیر، ارائه نکرده است. به گفته بازرسان پلیس، مهاجم پس از این حمله مرگبار خود را به پلیس تسلیم کرد و بازداشت شد. پلیس هنوز هیچ اطلاعات دقیقی در مورد این فرد از جمله در مورد سن او ارائه نکرده است.

انفجار در کافه هندی



پلیس هند روز شنبه اعلام کرد دست کم ۹ نفر در پی انفجاری در یک کافه در شهر بنگلور در جنوب هند زخمی شدند. به گزارش سینهاوا، انفجار در کافه در ساعات اوج سرو غذا رخ داد، زمانی که غذا خوری ملو از مشتریان بود.

سید دارامیا، وزیر کارناتا‌کا به خبرنگاران گفت که یک بمب دست‌ساز در داخل غذاخوری منفجر شد. شخصی ناشناس کیسه‌ای را به رستوران برد. او یک ژتون خرید و غذا خورده بود. سپس کیفی را که حامل بمب بود، در محل گذاشت. پلیس با بررسی دوربین‌های مدار بسته تلویزیونی به دنبال جزئیات این حادثه است. به گفته پلیس، ۹ مجروح به بیمارستان اعزام و وضعیت آنها مساعد گزارش شده است.

کهنه سرباز امریکایی

بعد از ۴۶ سال دستگیر شد



پلیس آلمان اعلام کرد مردی ۶۶ ساله که متهم است حدود ۴۶ سال پیش زنی را به قتل رسانده، دستگیر شد. گفته می‌شود این مرد در آن زمان به عنوان یک سرباز امریکایی در آلمان مستقر بوده است.

به گفته مقامات، وی متهم به قتل یک زن ۲۵ ساله است که در تاریخ ۱۱ ژوئن ۱۹۷۸ با بیش از ۳۰ ضربه چاقو در آپارتمانش کشته شده است. در آن زمان، مقامات نتوانستند قاتل این زن را پیدا کنند.

مقامات در بیانیه‌ای اعلام کردند که پلیس آلمان در سال ۲۰۲۰ دوباره تحقیقاتی را در این زمینه آغاز و شواهد را بررسی کرد. در این بیانیه آمده است که اثر انگشت به جا مانده در صحنه جنایت، آنها را به سمت مظنون این پرونده هدایت کرد. پلیس در ادامه تحقیقات بیشتری در ارتباط با مقامات ایالات متحده از جمله دفاتر اف‌بی‌آی در آلبانی و برلین انجام داد.

با پیدا شدن سرخ‌هایی دادستان‌های آلمان حکم بازداشت متهم این پرونده را صادر کردند.

این مرد در ۱۳ فوریه توسط سرویس مارشال‌های ایالات متحده با حمایت اف‌بی‌آی و پلیس ایالت نیویورک بازداشت شد و در زندانی در آمریکا به سر می‌برد و مقامات آلمانی به دنبال استرداد او هستند.

دستگیری عاملان قتل ریپر معروف آفریقایی



۶ عضو باند جنایتکار که ریپر معروف آفریقایی جنوبی را به ضرب گلوله به قتل رسانده بودند، دستگیر شدند.

به گزارش تایمز، در ۱۰ فوریه ۲۰۲۳، وقتی کاپران جریید فوربس، معروف به «اکا»، خواننده معروف اهل آفریقای جنوبی، به همراه دوستش تیلو از رستورانی در شهر بندری دوربان خارج شدند؛ هدف گلوله افراد ناشناسی قرار گرفته و کشته شدند.

آکا که علاوه بر خوانندگی، تهیه‌کننده و تاجر مشهور بود، در کیپ تاون به دنیا آمده و در زوهانسبورگ بزرگ شده بود. با توجه به حساسیت موضوع و فشاری که از سوی طرفداران و جامعه موسیقی به پلیس آفریقای جنوبی وارد شد، تحقیقات گسترده‌ای برای شناسایی و دستگیری قاتلان صورت گرفت. طرفداران آکا مرگ او را پایان دوره‌ای طلایی در موسیقی آفریقای جنوبی عنوان کردند و به همین دلیل پلیس را تحت فشار قرار دادند.

در نهایت کارآگاهان پلیس جنایی سرخ‌هایی به دست آوردند که نشان می‌داد مظنونان به کشور کوچک «اسواتینی» گریخته‌اند. بنابراین پلیس آفریقای جنوبی با همکاری پلیس اینترپل توانست مخفیگاه آنان را شناسایی و آنها را در مخفیگاهشان در اسواتینی دستگیر کند.

به گفته رئیس پلیس آفریقای جنوبی، این قتل، برنامه‌ریزی شده بوده و همچنان انگیزه آن در دست بررسی است.

دستگیری قاتلان پزشک ماهشهری

گروه حوادث / عاملان قتل یک پزشک سرشناس در ماهشهر با تلاش پلیس دستگیر شدند.

سرنجک منوچهر جوانمرد فرمانده انتظامی ماهشهر اظهار کرد: شامگاه ۷ اسفندماه سه مرد نقابدار مسلح وارد یک درمانگاه در ماهشهر شدند و با شلیک گلوله، پزشکی را که در مطبخش در حال طبابت بود به قتل رسانده و فرار کردند. به دنبال وقوع قتل این پزشک با سلاح کلاشینکف بلافاصله کارآگاهان پلیس آگاهی در صحنه قتل حاضر شدند و تحقیقات پلیسی را آغاز کردند. کارآگاهان پلیس با به کارگیری روش‌های نوین کشف جرم و رصد اطلاعاتی، قاتل و دو همدست او را شناسایی و با هماهنگی مرجع قضایی، در عملیاتی مقتدرانه آنها را دستگیر کردند.

فرمانده انتظامی ماهشهر با اشاره به کشف سلاح به کار رفته در قتل، گفت: عاملان قتل در تحقیقات پلیس انگیزه خود را اختلافات مالی عنوان کردند. متهمان پس از تشکیل پرونده، برای سیر مراحل قانونی تحویل مرجع قضایی شدند.

کاهش ۳۰ درصدی سرقت در استان البرز

صورت قراره‌ای تأمین کیفری مناسب در جرایم خاص

رئیس کل دادگستری البرز با اشاره به آمار صدور قرارهای تأمین شدید در جرایم خاص در مقایسه با سایر جرایم از بدو و تشکیل قرارگاه، یادآورد شد: «این داده‌ها نشان می‌دهد که در جرایم خاص استان البرز، صدور قرارهای تأمین شدید شامل بازداشت موقت چهار برابر و وثیقه دو برابر بیشتر از میزان صدور این نوع قرارهای تأمین در سایر جرایم بوده که نشان دهنده تجدیدنظر استان مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.»

۱۳ و درصدی کاهش سرقت ثبت شده است.». «

فاضلی هریکندی در بخش دیگری از سخنان خود در خصوص استفاده از سلاح گرم در سرقت‌ها، به اقدامات سختگیرانه دادگستری کل استان البرز اشاره کرد و گفت: «تمام متهمان در پرونده‌های مرتبط با اظهارگرم، از ابتدا تحت قرار تأمین از نوع بازداشت موقت هستند و اتهام آنها در شعب ویژه تعیین شده در دادسرا، دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر استان مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.»

گروه حوادث / رئیس کل دادگستری البرز از اقدام‌های سختگیرانه در پرونده سارقان مسلح و کاهش ۳۰ درصدی سرقت به عنف در این استان خبر داد.

«حسین فاضلی هریکندی» روز شنبه در هفتمین نشست قرارگاه پیشگیری و مقابله با جرایم خاص استان البرز اظهار کرد: «در مقایسه ۱۰ ماهه امسال با مدت مشابه سال قبل، شاهد هستیم که آمار وقوع سرقت به عنف در استان ۳۰ درصد کاهش داشته و به ترتیب در حوزه‌های قضایی فردیس، کرج، نظرآباد و ساوجبلاغ آمار ۴۲، ۲۸، ۲۴

دادگاه خانواده

طلاق به خاطر زندگی در فضای مجازی

کرده‌ای که من هم هستم. تمام مسائل خصوصی

خانه ما ظرف چند دقیقه برای دنبال کننده‌های سارا عمومی می‌شود و من دیگر تحمل آن را ندارم. جناب قاضی شاید باورتان نشود این خیلی شرم‌آور است اما من حتی وقتی یک لباس راحتی می‌خرم همه از رنگ و مدل آن باخبر می‌شوند! بعضی اوقات فکر می‌کنم حریم خصوصی برای همسرم تعریف نشده است و برای آخرین بار جلوی شما می‌گویم که یا باید شیوه زندگی‌اش را عوض کند و اگر نمی‌تواند همین‌جا از هم جدا شویم بهتر است. قاضی چند لحظه‌ای فکر کرد و گفت: دغدغه‌های حاشیه‌ای زندگی شما سبب شده تا از ماهیت زندگی مشترک‌تان دور شوید.

شما ابتدا باید به کلاس‌های مشاوره بروید و اگر مشکل‌تان حل نشد آن وقت تصمیم دیگری می‌گیریم.

امیرحسین صفدری کارشناس حقوقی

بی توجهی به مؤلفه‌های متعددی همچون شناخت کافی، آشنایی صحیح، درک متقابل، مسئولیت‌پذیری و وابستگی شدید به فضای مجازی باعث ایجاد تنش در زندگی این زوج شده است.

این زوج جوان برای حفظ زندگی‌شان باید ابتدا حد و مرزهای حریم شخصی مشترک‌شان را مشخص کنند و سپس با تعامل و گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز به نقطه درستی برسند.

درست است که همسر این مرد مقصر است اما خودش هم بی‌تقصیر نیست او می‌دانسته همسرش وابستگی زیادی به فضای مجازی دارد و باید قبل از ازدواج این مشکل را حل می‌کرد و به او می‌گفت که با این سبک زندگی مشکل دارد و بعد وارد زندگی مشترک می‌شدند.



و می‌دانست که من برای کارم در فضای مجازی ارزش زیادی قائلم و نمی‌توانم حرف‌هایش را بپذیرم. من با پیام‌های دنبال کننده‌هایم زندگی می‌کنم اما همسرم مدام اصرار می‌کند که پیام‌هایم را ببندم پستی هم نگذارم که برام قابل درک نیست. دقیقاً مثل یک اسیر با من رفتار می‌کند و اگر بخواهد به رفتارهایش ادامه دهد ترجیح می‌دهم دیگر با او زندگی نکنم.

اما بعد از اینکه زیر یک سقف رفتیم تازه فهمیدم چه اشتباهی کرده‌ام. قاضی حرف‌های منم را قطع کرد و از سارا پرسید: شما حرف‌های همسرتان را قبول دارید؟ دختر جوان جواب داد: همسرم عادت دارد که همه موضوعات را بزرگ جلوه دهد. مشکل ما این است که او مخالف پیشرفت من است و تلاش می‌کند در گذشته بماند. من هم در این مدت فهمیدم زندگی کردن با چنین آدمی چقدر سخت است اما چون دوستش داشتم تحمل کردم. آقای قاضی همسرم می‌خواهد که همه فعالیت‌هایم را در فضای مجازی تعطیل کنم در حالی که او من را از ابتدا می‌شناخت

گروه حوادث / صبح یکی از روزهای آخرین ماه سال در حالی که بسیاری از خانواده‌ها به دنبال خانه تکانی و خریدهای شب عید بودند تا با شادی و آرامش به استقبال نوروز بروند زوج جوانی شدت در یکی از شعبه‌های مجتمع قضایی خانواده در آستانه جدایی به انتظار ایستاده بودند.

نیما ۲۴ ساله و سارا ۲۲ ساله با برگه ابلاغیه‌ای در دست پشت در یکی از شعبه‌ها در انتظار زمان رسیدگی به پرونده‌شان بودند.

دقایقی بعد مدیر دفتر آنها را به داخل شعبه فراخواند. با اجازه قاضی وارد شعبه شدند و با چند صدلی فاصله از هم روبه‌روی قاضی نشستند. لحظاتی بعد و در حالی که قاضی جزئیات دادخواست را بررسی می‌کرد نیما بدون مقدمه گفت: آقای قاضی از دست این زن خسته شدم هنوز یک‌سال از زندگی مشترک‌مان نگذشته اما بیبندید به کجا رسیدم که ترجیح دادم مسیروان را از هم جدا کنیم. قاضی سرش را بالا آورد و گفت: از چی خسته شدی؟ آرام و کامل توضیح بده ببینم مشکل شما چیست؟ نیما گفت: یک سال و نیم پیش در یکی از شبک‌های اجتماعی با صفحه مجازی سارا آشنا شدم. آنقدر حرف‌های قشنگ و جملات زیبایی نوشته بود که ناخودآگاه فکر کردم اگر با او زندگی کنم خوشبخت‌ترین مرد روی زمین هستم. یک روز که او همه دنبال کننده‌هایش در فضای مجازی را به نمایشگاه نقاشی دوستش دعوت کرده بود با خودم گفتم این بهترین فرصت برای آشنایی با سارا است به نمایشگاه رفتم و همانجا نخستین دیدار رقم خورد و کم کم شرایط دوستی مان مهیا شد. چند ماهی باهم دوست بودیم. باور کنید آن چند ماه بهترین روزهای زندگی‌ام بود به یقین رسیدم که او نیمه گذشته من است و خیلی زود باهم ازدواج کردیم.